



بررسی احادیث آخرالزمانی فلسطین از نگاه اهل سنت

علی ماهی گیر^۱

چکیده

براساس مفاد احادیث نبوی شریف، سرزمین فلسطین، شاهد چند رویداد و واقعه مهم آخرالزمانی خواهد بود که تحت عنوان علائم آخرالزمان، علامات قیامت، اشراف القیامة، اشراف الساعة، فتن، ملاحم و همچنین علائم ظهور، در ادبیات دینی شناخته می‌شوند. انتخاب و بررسی احادیث و روایاتی که با رویدادهای آخرالزمانی سرزمین فلسطین ارتباط دارند، موضوع و محور این نوشتار می‌باشد. در این نوشتار تلاش شده پس از طرح و تبیین مفاهیم بنیادین و کلمات کلیدی شامل «حدیث»، «فلسطین» و «آخرالزمان»، احادیث مرتبط با این مفاهیم و واژگان، ابتدا براساس ترتیب زمانی وقوع رویدادهای آخرالزمان، سپس براساس راوی (روایت‌کننده) آن حدیث، با سطحی از دقت و توجه انتخاب و مورد بررسی قرار گیرد.

بنابر مفاد احادیث صحیح، سرزمین فلسطین در آخرالزمان شاهد حضور مهدی عج و عیسی بن مریم ع خواهد بود و پایان فتنه دجال و غائله یأجوج و مأجوج توسط سیدنا عیسی ع در این سرزمین رقم خواهد خورد؛ همچنین براساس این روایات، فلسطین تا قبل از قیامت، شاهد اعزام سپاه و لشکرکشی و اردوگاه بزرگ برای عملیات و حماسه بزرگ و جنگ بین مسلمانان و یهود خواهد بود و مناطقی از سرزمین فلسطین به عنوان مرز و رباط اسلام و مسلمین بیان شده و در روایات اهمیت پاسداری از مرز فلسطین،



۱. کارشناس ارشد فقه و معارف اسلامی، مدرس دارالعلوم امام شافعی رحمته الله علیه کهنه شهر.

بیت المقدس، انطاکیه و عسقلان مورد تصریح قرار گرفته است. مفاهیم دیگر نهفته در احادیث نبوی شریف در مورد این سرزمین، جنگ بین حق و باطل و حضور طائفه منصوره به امیری امام مهدی علیه السلام در این سرزمین و پیروزی، آبادانی، خلافت اسلامی و چندین و چند رویداد دیگر در آن است.

واژگان کلیدی: آخرالزمان، فلسطین، امام مهدی، حضرت عیسی، بیت المقدس.

مقدمه

جایگاه سنت و حدیث به عنوان دومین مصدر تشریع در اسلام، در عرصه های مختلف اعتقادی و عملی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. رویدادهای آخرالزمان ازجمله مفاد احادیث و روایات مختلف اسلامی است و براساس آن، سرزمین فلسطین از سرزمین هایی است که شاهد چند رویداد و واقعه مهم آخرالزمانی خواهد بود و تحت عنوان علائم آخرالزمان، علامات قیامت، اشراط القیامة، اشراط الساعة، فتن، ملاحم و همچنین علائم ظهور امام مهدی، در ادبیات دینی مسلمانان شناخته می شود.

بنابر مفاد احادیث صحیح این عرصه، سرزمین فلسطین در آخرالزمان شاهد حضور مهدی علیه السلام و عیسی بن مریم علیه السلام خواهد بود؛ همچنین پایان فتنه دجال و هلاکت او و نیز سرانجام غائله یأجوج و مأجوج در همین دوران در این سرزمین اتفاق خواهد افتاد. براساس این روایات، فلسطین تا قبل از قیامت، شاهد ملاحم و اعزام های مختلف سپاه و لشکرکشی و محل اردوی بزرگی برای یک عملیات و حماسه بزرگ خواهد بود. در این احادیث، مناطقی از سرزمین فلسطین به عنوان مرز و رباط اسلام و عُقر^۱ و وسط منزل مسلمین بیان شده است. همچنین اهمیت پاسداری از مرز بیت المقدس، شام، انطاکیه، دمشق و عسقلان مورد تصریح قرار گرفته است. مفاهیم دیگر نهفته در احادیث نبوی شریف

۱. عُقر یعنی وسط منزل و خانه. در نهج البلاغه می خوانیم: «قَوْلَ اللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فَيَ عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا»؛ «به خدا سوگند هیچ قومی در وسط منزلش جنگ نکرد، مگر آنکه خوار شد»؛ محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، ص ۶۹.

در مورد این سرزمین، نبرد بین حق و باطل و حضور طائفه منصوره در این سرزمین و پیروزی، آبادانی، خلافت اسلامی و چندین و چند رویداد دیگر در آن است. بررسی احادیث مربوط به این رویدادها براساس ترتیب و زمان وقوع آن و ارزشیابی و بیان درجه اعتبار این احادیث - به علت پیوند آن با باورهای آخرالزمانی از یک سو و پاسخ دادن به شبهات این عرصه و خارج ساختن روایات جعلی و نادرست از سوی دیگر - از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در شناخت این سرزمین و رویدادهای آخرالزمانی آن، با عنایت به نقشی که این سرزمین تحت اشغال در مطالبات مسلمانان و معادلات جهان دارد، سودبخش و مؤثر خواهد بود. از آنجایی که سرزمین فلسطین و بیت المقدس تحت اشغال و تصرف یهودی‌ها (صهیونیست‌ها) قرار گرفته است و از طرفی گروه‌های جهادی همچون حماس و... در مقابل صهیونیست‌ها دست به اسلحه و جهاد برده‌اند، بر آن شدیم در این نوشتار، حوادث آخرالزمانی فلسطین را طبق روایات رسول الله ﷺ بررسی کنیم، روایاتی که براساس آنها طائفه منصوره و اهل حق بر یهود پیروز گشته و امام مهدی علیه السلام در فلسطین خلافت اسلامی را برقرار می‌کند و حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می‌خواند.

فلسطین

فلسطین جایگاه ویژه‌ای در متون کهن تاریخی و مقدس ادیان دارد و در گزارش‌های مرتبط با فتن و ملاحم نیز بسیار از آن یاد شده است. فلسطین بخشی از سرزمین شام است. ابن اثیر و دیگران درباره فلسطین می‌نویسند: «فِلَسْطِین (با کسر فاء و فتح لام) سرزمین شناخته شده‌ای است که میان اردن و سرزمین مصر قرار دارد و مادر شهرهای آن (شهر اصلی آن) بیت المقدس است».^۱ این کشور در منتهی‌الیه غرب آسیا قرار دارد که از شرق به کشور اردن، از غرب به دریای مدیترانه، از شمال و شمال شرقی به کشورهای سوریه و لبنان و از جنوب به شبه جزیره مصر (سینا) و خلیج عقبه محدود است. این سرزمین از بقاع مهم و پُر رموز و راز جهان است و علاوه بر اینکه محل تولد، زندگی، هجرت، وفات و مدفن پیامبران الهی در گذشته بوده^۲ و مهد ادیان بزرگ آسمانی و محل تلاقی چند تمدن بزرگ بشری به

۱. فلسطین: کورة بالشام» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۳۳۹).

۲. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۴۷۱؛ محمد بن مکرّم بن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۳۷۲.

۳. «هی أرض فلسطین، و بها مقابر الانبیاء» (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۸، ص ۲۸۳).

شمار می‌رود، بنابر تعالیم اسلامی، در آخرالزمان نیز شاهد رویدادهای بزرگی خواهد بود.^۱ شهر کوهستانی بیت المقدس یا قدس شریف، در نزدیک مرکز فلسطین در حدود ۲۴ کیلومتری غرب بحرالمیت و ۵۲ کیلومتری شرق دریای مدیترانه،^۲ مسراء و معراج آخرین فرستاده الهی و نیز سومین شهر مقدس مسلمانان پس از مکه و مدینه است که اهمیت و برکت آن به نصّ قرآن و احادیث نبوی شریف ثابت است و نزد مسلمانان هیچ سرزمینی به غیر از مکه مکرمه و مدینه منوره، قدسیت و حرمت آن را ندارد. این شهر نزد یهودیان و مسیحیان نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است.^۳

اگرچه نام بیت المقدس و فلسطین در قرآن کریم ذکر نشده، اما مفسران در تفسیر آیه نخست سوره اسراء^۴ و در جریان سیر شبانه پیامبر ﷺ از مکه و معراج از آن، مسجد الاقصی را به مسجد بیت المقدس تعبیر نموده‌اند.^۵ ابن اثیر می‌نویسد: بیت المقدس به این نام خوانده شده؛ زیرا مکانی است که در آن از گناهان پاک می‌شوند.^۶ در آیات متعددی خداوند به این نکته اشاره کرده است که خداوند در سرزمین فلسطین برکت برای عالمین قرار داده و اطراف مسجد الاقصی را برکت قرار داده است.^۷ همچنین در آیاتی، فلسطین سرزمین انبیاء قرار داده شده.^۸ در احادیث متعددی نیز به سفر برای زیارت مسجد الاقصی سفارش شده است.^۹ پیامبر خاتم ﷺ در ماه‌های نخست هجرت به مدینه، رو به مسجد بیت المقدس، که یهودیان ادعای قبله آنان بودن آن را داشتند، نماز می‌گزارد و پس از آن خداوند مسجد الحرام

۱. بریتانیکا، ذیل "Jerusalem"؛ محمد عزالدین، فاروق، ص ۴۲، ۴۳، ۵۳.

۲. همان.

۳. دانشنامه جهان اسلام، ذیل واژه بیت المقدس.

۴. «شُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

۵. «وقوله (إلى المسجد الأقصى) یعنی: مسجد بیت المقدس» (محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۷، ص ۳۳۳؛ منصور سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۱۴)؛ «وَقَوْلُهُ: إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى اتَّفَقُوا عَلَى أَنَّ الْمَزَادَ مِنْهُ بَيْتُ الْمَقْدِسِ» (محمد فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۰، ص ۲۹۲).

۶. «وسمى بيت المقدس، لأنه الموضع الذى يُتَقَدَّسُ فيه من الذنوب» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الاثر، ج ۴، ص ۲۳ و ۲۴).

۷. «وَنَجِّنَاهُ وَلَوْ ظَلَّ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۷۱)؛ «شُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا خَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (سوره اسراء، آیه ۱)؛ «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا» (سوره سباء، آیه ۱۸).

۸. «وَوَنَجِّنَاهُ وَلَوْ ظَلَّ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحِ غَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» (سوره انبیاء، آیه ۷۱ و ۸۱).

۹. «وَلَا تُشَدُّ الرِّحَالُ، إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَمَسْجِدِي» (محمد بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۶۱ و ج ۳، ص ۱۹؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵).

را قبله ویژه مسلمانان قرار داد و راه طعنه برخی یهودیان مدینه را بست.^۱ اما در احادیث نبوی شریف به کثرت شاهد طرح نام بیت المقدس به ویژه در حوادث بزرگ آخرالزمانی هستیم که موضوع و محور این نوشتار می باشد.

حدیث

حدیث در لغت، به هر چیز جدید و نو و برعکس قدیم گفته شده است و جمع آن احادیث است.^۲ فراهیدی حدیث را «الجديد من الأشياء» دانسته است.^۳ برخی حدیث را هر چیز تازه ای خواه فعل باشد یا قول، دانسته اند.^۴ ابن فارس می نویسد: «حاء و دال و ثاء» ریشه ای یکسان دارند و به معنای «پدید آمدن چیزی که پیش از این نبوده»، [می باشد]؛ به عنوان مثال گفته می شود: امری حادث شد، پس از آنکه نبوده است.^۵ طریحی می نویسد: حدیث مترادف با کلام است؛ زیرا به تدریج و بخش بخش پدید می آید.^۶

حدیث در اصطلاح شرعی به معنای آنچه که از قول، فعل، تقریر، و یا اوصاف خَلْقِی و خَلْقِی رسول الله ﷺ نقل شده است، شناخته می شود.^۷ ابن حجر در کتاب فتح الباری می نویسد: «در اصطلاح شرع، حدیث چیزی است که منسوب به پیامبر است، و گویا این در مقابل قرآن است که قدیم می باشد.»^۸ سیوطی از طیبی نقل می کند: «حدیث عبارت از فعل، قول و تقریر پیامبر و اصحاب او و تابعان است.»^۹

حدیث به معنای سنت نیز به کار می رود؛ چراکه سنت هم به معنای آنچه که از قول، فعل، تقریر، و یا اوصاف خَلْقِی و خَلْقِی و به طور کلی سیره آن حضرت چه قبل از بعثت

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ذیل آیات ۱۴۲ تا ۱۵۰ سوره بقره؛ محمد هادی یوسفی غروی، موسوعة التاريخ الاسلامی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۲. «الحدیث: نقيض القديم» (اسماعيل جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۲۷۸؛ محمد بن مكرم بن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۳۱).

۳. خليل بن احمد فراهیدی، كتاب العين، ج ۳، ص ۱۷۷.

۴. سيد علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۱۱.

۵. احمد بن فارس بن زکریا ابوالحسن، معجم مقائیس اللغة، ج ۲، ص ۳۶.

۶. فخر الدین طریحی، معجم البحرین، ج ۲، ص ۴۴.

۷. «وفی اصطلاح علماء الإسلام: ما أضيف إلى النبي صلى الله عليه وسلم من قول أو فعل أو تقریر أو وصف خَلْقِی أو خَلْقِی» (نور الدین محمد عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۶؛ محمد احمد محمد معبد، نفحات من علوم القرآن، ص ۱۲).

۸. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۹۳.

۹. عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، تدرب الراوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۲۹.



و چه بعد از بعثت نقل شده است، می‌باشد.^۱ برخی صحابه و تابعین را نیز به این تعریف اضافه کرده‌اند.^۲

در اسلام، سنت و حدیث پیامبر ﷺ به عنوان دومین مصدر تشریع و بلکه در حجیت مرادف با آن در همه عرصه‌ها، اعم از اصول اعتقادی، عبادات، معاملات، آداب، اخلاق و هر آنچه که برای زندگی فردی و اجتماعی مورد نیاز است، شناخته می‌شود و علما و فقهای اسلام در طول سده‌ها و قرون به آن اهتمام داشته‌اند.^۳

آخرالزمان

آخرالزمان اصطلاحی دینی و به معنای دوره پایانی جهان است که در ادیان الهی به آن اشاره شده و در ادیان ابراهیمی از اهمیت و برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. این واژه در کتاب‌های لغت به «دوره آخر» و «قسمت واپسین از دورانی که به قیامت می‌پیوندد» معنا شده است.^۴ در دین مبین اسلام منظور از آخرالزمان مدت زمان بین آغاز نبوت پیامبر خاتم محمد بن عبدالله ﷺ تا وقوع قیامت است و برای همین، آن حضرت، پیامبر آخرالزمان دانسته می‌شود. یا آخرالزمان به زمان قبل از ظهور امام مهدی (عجلایه) و بعد از ظهور ایشان اطلاق می‌گردد.^۵ اصطلاح آخرالزمان در قرآن کریم نیامده؛ اما در احادیث به کثرت وجود دارد و منظور از آن محدوده وسیعی از بعثت نبوی شریف تا قیام قیامت و برپایی رستاخیز است.

در روایات متعدد نشانه‌ها و وقایع آخرالزمان ذکر شده که شامل قیام مهدی (عجلایه)، نزول حضرت عیسی (عجلایه)، خروج دجال، خروج یاجوج و مأجوج، خروج دابة الأرض، خسوف‌های سه گانه، طلوع خورشید از مغرب و... است. به طور کلی صاحبان جوامع حدیثی اهل سنت، احادیث آخرالزمان را با عنوان‌هایی مانند أشرار الساعة،

۱. نور الدین محمد عتر، منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۲۸.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. علی بن محمد ماوردی، الحاوی الکبیر، ج ۱۶ ص ۸۴؛ عبد العزیز بن احمد بخاری حنفی، کشف الأسرار شرح اصول البزدوی، ج ۱، ص ۱۹.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۴۲؛ محمد معین، لغت نامه معین، ج ۱، ص ۳۴.

۵. نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، ج ۱، ص ۳۶۲ و ۴۰۴؛ سلیمان بن ابی داود طیلانی، مسند، ج ۱، ص ۳۴۷؛ محمد ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۷۵؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۶ و ج ۸، ص ۹۸.

آخرالزمان اصطلاحی دینی و به معنای دوره پایانی جهان است که در ادیان ابراهیمی از اهمیت و برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. در روایات متعدد نشانه‌ها و وقایع آخرالزمان ذکر شده که شامل قیام مهدی (عجلایه)، نزول حضرت عیسی (عجلایه)، خروج دجال، خروج یاجوج و مأجوج، خروج دابة الأرض، خسوف‌های سه گانه، طلوع خورشید از مغرب و... است.



روایات به صورت متواتر و از طریق راویان متعدد حضرت مهدی علیه السلام دربار بیت است که او از اهل نقل هفت پیامبر علیهم السلام است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. او همان عیسی علیه السلام به حضرت خروج کرده و او را در کشتن دجال در دروازه‌ای که در سرزمین فلسطین وجود دارد، یاری می‌کند.



علامات الساعة، علامات يوم القيامة، الفتن، الملاحم و... نوشته‌اند. در این نوشتار آن دسته از حوادث و وقایع آخرالزمان که با سرزمین فلسطین در ارتباط می‌باشد، با نظر به احادیث نبوی شریف مورد بررسی قرار گرفته است.

گفتار اول: مهدی آخرالزمان در بیت المقدس و امامت در مسجدالاقصی

حضور مهدی موعود در آخرالزمان در بیت المقدس و امامت در مسجدالاقصی ازجمله رویدادهای آخرالزمانی است که در احادیث نبوی شریف مورد اشاره قرار گرفته است. موضوع خروج مهدی منتظر در قرب قیامت از باورهای آخرالزمانی مذاهب و طوایف اسلامی ازجمله اهل سنت و جماعت است که به عنوان یکی از نشانه‌ها و اشراف ساعت قیامت شناخته می‌شود.

اهل سنت اعتقاد دارند هنگامی که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد، مهدی ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می‌کند. آنان او را همانم و هم‌کنیه پیغمبر صلی الله علیه و آله و ملقب به مهدی علیه السلام معرفی کرده‌اند.^۱ ابوالحسین آبری شافعی (م ۳۶۳ ق)، که از محدثان بزرگ اهل سنت به شمار می‌رود، در کتاب مناقب الشافعی به تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام تصریح کرده و می‌نویسد: روایات به صورت متواتر و از طریق راویان متعدد از مصطفی (رسول خدا صلی الله علیه و آله) درباره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که او از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است، هفت سال حکومت می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. او همان کسی است که حضرت عیسی علیه السلام به همراه او را در کشتن دجال در دروازه‌ای که در سرزمین فلسطین وجود دارد، یاری می‌کند. او امام این امت خواهد شد و حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند.^۲ سفارینی حنبلی هم می‌گوید: روایات درباره خروج مهدی بسیار زیاد است، به طوری که به حد تواتر معنوی می‌رسد.^۳ بسیاری از علمای اهل سنت همچون مزی،^۴ ابن حجر عسقلانی،^۵

۱. ابن حنبل شیبانی، مسند أحمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۴ و ۴۵؛ ابوداود سجستانی، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۶ و ۱۰۷؛ محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۰۰.
۲. محمد بن الحسین آبری سجستانی، مناقب الإمام الشافعی، ص ۹۵ و ۹۶.
۳. محمد بن احمد سفارینی حنبلی، لوامع الأنوار البهیة، ج ۲، ص ۷۳ و ۸۴.
۴. یوسف بن عبد الرحمن مزی، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ج ۵، ص ۱۴۹.
۵. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۳۹۳؛ همو، تهذیب التهذیب، ج ۹، ص ۱۴۴.

سخاوی،^۱ سیوطی،^۲ ابن حجر هیتمی،^۳ زرقانی مالکی^۴ و کتانی^۵ تواتر آبری شافعی بر ظهور مهدی و اینکه حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می خواند را نقل و تأیید کرده اند.

از جمله احادیث نبوی که به موضوع حضور ایشان در بیت المقدس و امامت در مسجد الاقصی اشاره دارد، روایاتی است که از ابوامامه باهلی، ابوسعید خدری، جابر بن عبدالله انصاری و... روایت شده است که دو روایت از باب نمونه ذکر می گردد:

يك: روایت ابوامامه باهلی و اقتدای حضرت عیسی به امام مهدی در بیت المقدس

از جمله احادیث دیگری که موضوع امامت عبد صالح و اقتدای سیدنا عیسی به ایشان در آن مورد اشاره قرار گرفته است، حدیثی از ابوامامه باهلی است. در این حدیث صحبت از امامت عبد صالح و اقتدای سیدنا عیسی به ایشان است. بنابر نظر علما، چنانچه بیان شده، و با توجه به شواهد و قرائن موجود در احادیث دیگر، این مرد صالح همان امام مسلمین یعنی محمد مهدی است.^۶ حدیث ابوامامه باهلی را ابن ماجه چنین روایت نموده است:^۷ ابوامامه باهلی گفت: ام شریک دختر ابو عکر گفت که یا رسول الله در آن هنگام که دجال ظهور می کند عرب ها کجا هستند؟ فرمودند: آنها در آن روزگار کم هستند و اکثرشان در بیت المقدس می باشند و امام آنها مرد صالحی است. وقتی امام جلو می رود تا نماز را اقامه کند، عیسی از آسمان فرود می شود، آن امام به درون صف بر می گردد تا عیسی امامت مسلمان را بر عهده بگیرد، عیسی دستش را بر دوش امام می گذارد و می گوید: چون برای تو اقامت شده، باید جلو بروید. امام جلو می رود و برای مردم نماز را برپا می دارد. وقتی

۱. محمد بن عبد الرحمن سخاوی، فتح المغیث بشرح الفیه التحذیث للعراقی، ج ۴، ص ۲۳.

۲. عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ج ۲، ص ۴۸۰؛ همو، المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ص ۲۳.

۴. محمد بن عبد الباقي زرقانی مالکی، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة، ج ۷، ص ۳۹۳.

۵. محمد کتانی، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ص ۲۲۶.

۶. «والمراد منه الإمام المهدی، لما عند ابن ماجه: بإسنادٍ قوی.. فهذا صریح فی أن مُصَدِّقَ الإمام فی الأحادیث هو الإمام المهدی دون عیسی علیه الصلاة والسلام نفسه» (محمد انور شاه کشمیری، فیض الباری، ج ۴، ص ۴۰۷).

۷. «قَالَتْ أُمُّ شَرِیکَ بِنْتُ أَبِي الْعَرَّكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَتَيْنِ الْعَرَبَ يَوْمَئِذٍ قَالَ هُمْ يَوْمَئِذٍ قَلِيلٌ وَجِلَّهُمْ بَنَاتُ الْمَقْدِسِ وَإِمَامُهُمْ رَجُلٌ صَالِحٌ فَبَيْنَمَا إِمَامُهُمْ قَدْ تَقَدَّمَ يُصَلِّي بِهِمْ الصُّبْحَ إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِمْ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ الصُّبْحَ فَرَجَعَ ذَلِكَ الْإِمَامُ يَنْكُضُ يَمِيشِي الْقَهْقَرَى لِيَتَقَدَّمَ عِيسَى يُصَلِّي بِالنَّاسِ فَيَضَعُ عِيسَى يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ لَهُ تَقَدَّمَ فَصَلِّ فَإِنَّهَا لَكَ أَقِيمَتْ فَيُصَلِّي بِهِمْ إِمَامُهُمْ فَإِذَا انْصَرَفَ قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَحُوا الْبَابَ فَيُفْتَحُ وَوَرَاءَهُ الدَّجَالُ...»؛ محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۹.





نماز به پایان می‌رسد، عیسی می‌گوید: در را باز کنید، وقتی در باز می‌شود مردم دجال را پشت در می‌بینند.

این حدیث را رویانی، ابن خزیمه، أبوعوانه، حاکم نیشابوری و ابونعیم هم روایت کرده‌اند.^۱ در صحیح مسلم آمده، پیامبر فرمودند: همواره گروهی از امت من بر حق استوار و پیروز، تا روز قیامت پیکار می‌کنند. پس از اینکه عیسی بن مریم فرود می‌آید و امیرشان می‌گوید: «بیا و برای ما نماز بخوان (امامت کن)»؛ پس عیسی بن مریم علیه السلام می‌فرماید: «خیر. امیر شما از خود شماست زیرا خداوند این امت را تکریم نموده و بزرگ داشته است».^۲

دو: حضور امام مهدی علیه السلام در بیت المقدس

از جمله احادیثی که به حضور مهدی در بیت المقدس اشاره دارد، حدیثی از ابوسعید خدری است که در آن از قیام فردی عادل از امت و در روایتی از اهل بیت علیهم السلام و نزول او در بیت المقدس خبر داده شده است.

طبرانی و دیگران از ابوسعید خدری چنین روایت نموده‌اند:^۳ از رسول الله شنیدم که فردی از میان امت من قیام می‌کند و به سنت من امر می‌کند و خداوند بلندمرتبه برای وی از آسمان باران می‌باراند و زمین برکاتش را بیرون می‌ریزد و او هم زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد، همان طوری که پر از ظلم و جور شده بود. و هفت سال این گونه اتمم سپری می‌کند و در بیت المقدس جای می‌گیرد و مستقر می‌شود.

گفتار دوم: نزول عیسی علیه السلام و حضور آن در فلسطین و عدم توان ورود دجال به بیت المقدس

از دیگر رویدادها و حوادث مهم آخرالزمان که به نوعی با سرزمین فلسطین پیوند دارد و در احادیث نبوی شریف به آن اشاره شده، حضور عیسی علیه السلام در این سرزمین و

۱. عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۸.

۲. مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. «قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي (أَهْلِ بَيْتِي) يَقُولُ بَسُنْتُي يُنْزَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْقَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ وَ يُنْبِئُ اللَّهُ (يُخْرِجُ) لَهُ الْأَرْضَ مِنْ بَرَكَّتِهَا ثَمَلًا الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَعْمَلُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَنْزِلُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ؛ سليمان طبری، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۵؛ محمد بن عبد الواحد مقدسی، فضائل بیت المقدس، ص ۷۲؛ عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۷۴.

شرکت در نماز صبح در بیت المقدس با امامت امام مهدی علیه السلام. چنانچه بیان شد. و حرکت به سوی باب لد برای هلاکت مسیح دجال^۱ و به هلاکت رساندن آن است. آن حضرت در شرق دمشق کنار مناره بیضاء به هنگام روز از آسمان فرود می آید و بعد از دریافت اغاثه و فریادرسی مردم به بیت المقدس می رود و بعد از نماز به سوی دجال شتافته و او را در باب لد در حالی که در حال ذوب شدن است به هلاکت می رساند؛ چنانچه مسلم از نواس بن سمعان از رسول الله نقل می کند: ^۲ خداوند عیسی علیه السلام را می فرستد و وی در کنار مناره سفید در شرق دمشق بین دو جامه رنگ شده فرود می آید، ... و دجال را جست و جو می کند تا اینکه او را به باب لد (شهری نزدیک بیت المقدس) دریافته و او را می کشد.

در احادیث متعددی موضوع هلاکت دجال توسط حضرت عیسی علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته است. ^۳ همچنین دجال توان ورود به بیت المقدس را ندارد چنانچه در حدیث صحیحی که در مسند احمد از جناده بن ابی أمیه ازدی از رسول الله روایت شده که دجال توان ورود به بیت المقدس و طور سینا را ندارد: ^۴ یکی دیگر از نشانه های دجال این است که بر روی زمین به مدت ۴۰ شبانه روز می ماند، قلمرو او به همه جا می رسد جز کعبه و مسجد حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد الاقصی و طور و اماکنی از این قبیل. از امام محمد باقر علیه السلام از رسول الله، نقل شده که بیت المقدس قلعه و پناهگاه مسلمانان در خطر دجال است و این به معنای عدم توان دجال در ورود و تصرف به بیت المقدس است: ^۵ و قلعه و پناهگاهشان از دجال، بیت المقدس است.

۱. اطلاق واژه «مسیح» بر دجال بخاطر این است که یک چشم او کور است یا بخاطر این است که زمین را مسح می کند (بر تمام شهر ها داخل می شود).

۲. «فَبَيْنَمَا هُوَ كَذَلِكَ إِذْ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيُنْزَلُ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ شَرْقَى دِمَشْقَ بَيْنَ مَهْرُودَتَيْنِ...، فَيَطْلُبُهُ حَتَّى يَذْرُكَهُ بَابَ لُدٍّ فَيَقْتُلُهُ...»؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۵۰ و ۲۲۲۱.

۳. محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۹؛ محمد ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۸۲؛ ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۱۷؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۲۳، ص ۲۱۲.

۴. «... عَلَامَتُهُ يَمُكُّثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ كُلَّ مَهْلٍ لَا يَأْتِي أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ الْكَعْبَةِ وَمَسْجِدَ الرَّشُولِ وَالْمَسْجِدَ الْأَقْصَى وَالْطُّورَ وَمَهْمَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ...»؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۲۸، ص ۱۸۰.

۵. «... وَمَعْقِلُهُمْ مِنَ الدَّجَالِ بَيْتُ الْمَقْدِسِ...»؛ احمد اصفهانی، حلیة الأولیاء، ج ۶، ص ۱۴۶؛ ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۲۳۹ تا ۲۴۱.

از دیگر رویدادها و حوادث مهم آخر الزمان که به نوعی با سرزمین فلسطین پیوند دارند و در احادیث نبوی شریف به آن اشاره شده، در این حضور عیسی علیه السلام در شرکت و شریک با سرزمین و بیت المقدس با صبح امام مهدی علیه السلام حرکت به سوی باب لد برای هلاکت مسیح دجال و به هلاکت رساندن آن است.



گفتار سوم: پیشروی یاجوج و ماجوج در فلسطین و نابودی آنها توسط

حضرت عیسیٰ علیه السلام

بخشی از احادیث نبوی شریف راجع به آخرالزمان که با سرزمین فلسطین ارتباط پیدا می‌کند، احادیثی است که پیشروی یاجوج و ماجوج در فلسطین تا کوه خمر، محاصره عیسی و یارانش در طور و سرانجام نابودی یاجوج و ماجوج اشاره دارد. خروج یاجوج و ماجوج یکی از نشانه‌های بزرگ آخرالزمان است حتی در آیات قرآن به داستان یاجوج و ماجوج اشاره شده است.^۱ براساس مفاد روایت‌های موجود، خروج آنان در سرزمین شام بعد از قیام مهدی و خروج دجال و نزول عیسی بن مریم و قتل دجال خواهد بود؛ چنانچه مسلم از نواس بن اسمعان از رسول الله نقل می‌کند:^۲ در این حین، خداوند تعالی به عیسی علیه السلام وحی می‌رساند که من بندگان را برآوردم که کسی یارای مقابله با آنان را ندارد، تو بندگانم را به «طور» جمع کن. خداوند یاجوج و ماجوج را بر می‌انگیزد که از هر گوشه می‌شتابند و پیامبر خدا عیسی علیه السلام و یارانش محاصره می‌شوند تا اینکه سر گاوی برایشان بیشتر از صد دینار برای شما امروزه ارزش دارد. و پیامبر خدا عیسی علیه السلام و یارانش رو به خدا می‌آورند و خداوند کرم‌هایی را در گردن‌هایشان پدید می‌آورد و مثل یک نفر همه به قتل می‌رسند.

در بخش دیگر این حدیث هم آمده:^۳ سپس یاجوج و ماجوج حرکت می‌کنند تا به کوه خمر (کوه بیت المقدس) می‌رسند. در آنجا می‌گویند ما همه کس را روی زمین کشتیم، اکنون بیایید موجودات آسمانی را نیز بکشیم! پس تیرهایشان را به سوی آسمان شلیک می‌کنند و خداوند تیرهایشان را خونین می‌کند و به آنها باز می‌گرداند. و پیامبر خدا عیسی علیه السلام و یارانش محاصره می‌شوند... عیسی و

بخشی از احادیث نبوی شریف راجع به آخرالزمان که با سرزمین فلسطین ارتباط پیدا می‌کند، احادیثی است که پیشروی یاجوج و ماجوج در فلسطین تا کوه خمر، محاصره عیسی و یارانش در طور و سرانجام نابودی یاجوج و ماجوج اشاره دارد. خروج یاجوج و ماجوج یکی از نشانه‌های بزرگ آخرالزمان است حتی یاجوج و ماجوج اشاره شد



۱. سوره انبیاء، آیات ۹۶ و ۹۷؛ سوره کهف، آیات ۹۳ تا ۹۹.

۲. «إِذْ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عِيسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي قَدْ أَخْرَجْتُ عِبَادًا لِي لَا يَدَانِ لِأَخِيذٍ بَقَالِهِمْ، فَخَرَزَ عِبَادِي إِلَى الطُّورِ، وَتَبِعَتْهُ اللَّهُ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ، ... وَتُخَصَّرُ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابُهُ حَتَّى يَكُونَ رَأْسُ الثَّوْرِ لِأَحَدِهِمْ خَيْرًا مِنْ مَائَةِ دِينَارٍ لِأَحَدِكُمْ الْيَوْمَ، فَيَزْغَبُ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابُهُ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَيُرْسِلُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمُ النَّفَّ فِي رِقَابِهِمْ، فَيَصْبَحُونَ فَرَسِي كَمُوتِ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، ...»؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۵۰ تا ۲۲۵۴.

۳. «... ثُمَّ يَسِيرُونَ حَتَّى يَنْتَهَوْا إِلَى جَبَلِ الْخَمْرِ، وَهُوَ جَبَلُ بَيْتِ الْمَقْدِسِ فَيَقُولُونَ لَقَدْ قَتَلْنَا مَنْ فِي الْأَرْضِ، هَلُمَّ فَلْنَقْتُلْ مَنْ فِي السَّمَاءِ، فَيَرْمُونَ بِنَشَابِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ، فَيَرُدُّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ نَشَابَتَهُمْ مَحْضُوبَةً دَمًا، وَيُخَصَّرُ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ، ... فَيَزْغَبُ نَبِيُّ اللَّهِ عِيسَى وَأَصْحَابُهُ، فَيُرْسِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ النَّفَّ فِي رِقَابِهِمْ، فَيَصْبَحُونَ فَرَسِي كَمُوتِ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...»؛ همان، ص ۲۲۵۵.

اصحابش به سوی خدا دست به دعا می‌شوند؛ پس خداوند دودی بر آنان می‌فرستد و مانند یک نفس همه به مرده تبدیل می‌شوند.

در روایات متعدد به داستان یاجوج و ماجوج و کشته شدن آنها توسط حضرت عیسی صلی الله علیه و آله اشاره شده است.^۱ فتح بیت المقدس یکی از علائم قبل از قیامت شمرده می‌شود.^۲

گفتار چهارم: بیت المقدس، فلسطین سرزمین حشر و نشر

جمع شدن انسان‌ها در بیت المقدس در آخرالزمان، قبل از قیامت، یکی از رویدادهایی است که در مورد بیت المقدس و سرزمین اطراف آن در برخی احادیث مورد توجه قرار گرفته است.^۳ برخی از علما مراد از حشر را محشور شدن در روز قیامت معنی کرده‌اند.^۴ حشر در بیت المقدس و اطراف آن براساس فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر به «أرض المحشر والمنشر» شده است که در بسیاری از جوامع حدیثی به چشم می‌خورد؛ و بنابر مفاد این روایات، این حشر، به حشری اطلاق می‌شود که در زندگی این جهان، در آخرالزمان، در این سرزمین، و پس از رویدادهای مختلف، اتفاق می‌افتد. از جمله احادیث وارده درخصوص محشر و منشر بودن این سرزمین روایاتی از ابوذر، میمون، حکیم بن معاویه البهزی و... است. از باب نمونه به دو روایت اشاره می‌گردد:

روایت اول: فضیلت سکونت در بیت المقدس

ابوذر غفاری روایتی را از رسول الله نقل کرده که سکونت در بیت المقدس فضیلت دارد و سرزمین حشر و نشر است:^۵ از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد نماز در مسجد النبی و مسجد الاقصی



۱. محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۶؛ محمد ترمذی، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۸۲؛ محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۸، ص ۵۲۷.

۲. عبد الله بن ابی شیبہ، المصنّف، ج ۷، ص ۴۸۰؛ محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۶۵ و ۶۹ و ۵۹۴؛ محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۱؛ محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۶۶.

۳. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۱۸، ص ۴۶۹؛ اسبیوطی، محمد بن أحمد اسبیوطی، إتحاف الأخصا بقضائل المسجد الأقصى، ج ۱، ص ۲۲۲؛ محمد بن عبد الهادی سندی، حاشیة السندی علی سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۲۹؛ یوسف بن عبد الله الوابل، أشراف الساعة، صص ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۸-۴۲۹.

۴. محمد بن عبد الله زرکشی، إعلام الساجد بأحكام المساجد، ص ۲۸۹ و ۲۹۰؛ محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۳، ص ۱۰۹.

۵. «سأل رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الصلاة في بيت المقدس أفضل أو في مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال صلاة في مسجدی هذا، أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلی، هو أرض المحشر والمنشر، وليأتين

سؤال شد که کدام یک از آنها با فضیلت تر است؟ فرمود یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است و چه مصلاهی نیکی و آن سرزمین محشر و منش است و زمانی برای مردم می رسد که اگر برای فردی زمینی به اندازه مهاراسب یا کمانی باشد تا از آن بتواند بیت المقدس را ببیند برایش از تمام دنیا بهتر است.

روایت دوم: بیت المقدس نزدیک به سرزمین محشر و منش

از دیگر احادیثی که سرزمین پیرامونی بیت المقدس را زمین محشر و منش عنوان نموده حدیثی از میمونه از رسول الله است: ^۱ ای پیامبر! در مورد بیت المقدس برایمان صحبت بفرمایید. ایشان جواب دادند: سرزمین محشر و منش است، لذا به آنجا بروید و در آنجا نماز بخوانید؛ زیرا که نماز در آن، برابر با هزار نماز در دیگر مساجد است.

گفتار پنجم: خلافت در سرزمین مبارک و پیروزی اهل حق

احادیثی درباره شکل گیری خلافت در سرزمین بیت المقدس وارد شده است. امام مهدی در لسان روایات خلیفه الله است ^۲ و وارد ارض مقدسه (بیت المقدس) می شود و چنانچه بیان شد در آنجا نماز می خواند و خلافت اسلامی توسط امام مهدی علیه السلام تشکیل می شود. ^۳ از جمله احادیثی که به ورود خلافت اسلامی در این سرزمین اشاره دارد، حدیثی از عبدالله بن حواله است و براساس آن خلافت در این سرزمین صورت

عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَلَقَدْ سَوَّطَ أَوْ قَالَ: قَوْسِ الرَّجُلِ حَيْثُ يَرَى مِنْهُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ خَيْرٌ لَهُ أَوْ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا جَمِيعًا؛ أحمد بن حسين بيهقي، شعب الإيمان، ج ٦، ص ٤٢؛ ابن عساکر، تاريخ دمشق، ج ١، ص ١٧٤.
١. «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفَتَنَا فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ قَالَ أَرْضُ الْمَخْشَرِ وَالْمَنْشَرِ انْتَوَهُ فَضَلُّوا فِيهِ فَإِنَّ صَلَاةً فِيهِ كَأَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ...»؛ محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٥؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند، ج ٥٩٧؛ سلیمان طبرانی، المعجم الکبیر، ج ٢٥، ص ٣٢؛ احمد ابویعلی موصلی، مسند أبی یعلی، ج ١٢، ص ٥٢٣.

٢. احمد بن حنبل شیبانی، مسند أحمد بن حنبل، ج ٣٧، ص ٧٠؛ محمد بن ماجه قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٣٦٧؛ محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٥١٠؛ نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، ج ١، ص ٣١١.

٣. «ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِي، أَوْ قَالَ: عَلَي هَامَتِي، ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ حَوَالَةَ إِذَا رَأَيْتَ الْخَلَافَةَ قَدْ نَزَلَتْ أَرْضَ الْمُقَدَّسَةِ فَقَدْ دَنَّتِ الْكَاذِبُ وَالْبَلَابُ وَالْأُمُورُ الْعِظَامُ، وَالسَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنَ النَّاسِ مِنْ يَدِي هَذِهِ مِنْ رَأْسِكَ»؛ نعیم بن حماد مروزی، کتاب الفتن، ج ١، ص ٣٨٦ و ٣٩٩.



می‌گیرد و در نزدیکی‌های قیامت است؛^۱ سپس رسول الله دستانش را بر سرم گذاشت و فرمود: ای ابن حواله! هرگاه خلافت را دیدی که بر سرزمین مقدس نازل شد، در آن زمان بلایا و زلزل و امور بزرگ نزدیک شده است و قیامت در آن روز از دست من که بر روی سر توست نزدیک‌تر خواهد بود.

در احادیث متعدد اشاره شده که گروهی از امت بر حق و راستی هستند و بر دشمنانشان غالب‌اند؛ چنانچه احمد از ابی امامه از رسول الله نقل می‌کند: ^۲ «همچنان گروهی از امت بر حق و راستی هستند و بر دشمنانشان غالب‌اند و مخالفت دیگران ضرری به آنها نمی‌رساند و تنها چیزی که به آنها می‌رسد، سختی‌های این راه است و تا زمانی که قیامت برپا می‌گردد آنان همین‌گونه هستند. و بعضی گفتند: آنها کجا هستند یا رسول الله! و پیامبر ﷺ فرمودند: آنان در بیت المقدس و اطراف آن هستند.

در روایتی چنین آمده است که امیر آنها امام مهدی ﷺ است و حضرت عیسیٰ ﷺ به او اقتدا می‌کند؛ چنانچه در صحیح مسلم آمده: ^۳ «همواره گروهی از امت من بر حق استوار و پیروز، تا روز قیامت پیکار می‌کنند. پس از اینکه عیسی بن مریم فرود می‌آید و امیرشان می‌گوید بیا و برای ما نماز بخوان (امامت کن)، پس عیسی بن مریم ﷺ می‌فرماید: خیر امیر شما از خود شماست؛ زیرا خداوند این امت را تکریم نموده و بزرگ داشته است.

یکی دیگر از مسائلی که در این میان مطرح است، رویارویی مسلمانان با یهود است که در این جنگ مسلمانان پیروز هستند؛ چنانچه بخاری و مسلم از رسول الله ﷺ نقل کرده‌اند که قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه با یهودیان جهاد کنید و مسلمانان آنها را به قتل برسانند.^۴



۱. «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ لَعَدُوَّهُمْ قَاهِرِينَ لَا يَضُرُّهُمْ مِنْ خَالَفَهُمْ إِلَّا مَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَأْوَاءَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَيْنَ هُمْ قَالَ بَنِيَّتِ الْمَقْدِسِ وَأَكْنَافِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ»؛ احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۳۷، ص ۵۱؛ ابوداود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۹؛ محمد حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۷۱.

۲. احمد بن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۶۵۷؛ محمد بن جریر طبری، تهذیب الآثار، ج ۲، ص ۸۲۳؛ سلیمان طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۱۹.

۳. «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَ: فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّي لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ»؛ مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

۴. «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ، حَتَّى يَقُولَ الْحَجَرُ وَرَاءَهُ الْيَهُودِيُّ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَأَيْتُ فَاقْتُلْهُ» (محمد بخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۴۲) «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ، فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ...» (مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۳۹).

نتیجه

براساس مفاد احادیث رسول الله ﷺ، سرزمین فلسطین در آخرالزمان شاهد بخش مهمی از رویدادهایی است که در ادبیات دینی ما تحت عنوان علامات آخرالزمان، علامات قیامت، اشراط القيامة، فتن، ملاحم و همچنین علائم ظهور شناخته می شوند. حضور، شرکت و امامت نماز مهدی آخرالزمان در بیت المقدس و حضور عیسی بن مریم علیه السلام در آنجا و پایان بخشیدن به فتنه دجال با قتل او، همچنین نفوذ یاجوج و ماجوج تا کوه خمر در بیت المقدس و محاصره عیسی و یارانش در طور سینا و سرانجام، پایان غائله یاجوج و ماجوج توسط سیدنا عیسی علیه السلام از رویدادهای آخرالزمانی هستند که در این احادیث مورد اشاره قرار گرفته است. ازجمله وقایع و رویدادهای مهم دیگری که در احادیث و روایات در مورد سرزمین فلسطین بیان شده، خلافت امام مهدی علیه السلام و پیروزی اهل حق و شکست یهود می باشد.

براساس مفاد احادیث رسول الله ﷺ، سرزمین فلسطین در آخرالزمان شاهد بخش مهمی از رویدادهایی است که در ادبیات دینی ما تحت عنوان علامات آخرالزمان، علامات قیامت، فتن، ملاحم و همچنین علائم ظهور شناخته می شوند.



كتاب نامه

- قرآن كريم
- ابن أبى شيبة، عبدالله، **المصنّف فى الأحاديث والآثار**، ج ١، تحقيق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- ابن حبان، محمد، **صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان**، تحقيق شعيب الأرنؤوط، ج ٢، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ق.
- ابن حجر عسقلانى، احمد، **فتح البارى شرح صحيح البخارى**، بيروت، دار المعرفة، ١٣٧٩ق.
- ابن حنبل شيبانى، أحمد، **مسند أحمد بن حنبل**، تحقيق شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد و ديكران، ج ١، بى جا، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- ابن عساکر، على بن حسن، **تاريخ دمشق**، تحقيق عمرو بن غرامة العمروى، بى جا، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق.
- ابن ماجه قزوینى، محمد، **سنن ابن ماجه**، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بى جا، دار إحياء الكتب العربية، بى تا.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، ج ٣، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٤ق.
- ابوالحسين، احمد بن فارس بن زكريا، **معجم مقائيس اللغة**، ج ١، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم، ١٤٠٤ق.
- أبويعلی موصلى، أحمد، **مسند أبى يعلى**، تحقيق حسين سليم أسد، ج ١، دمشق، دار المأمون للتراث، ١٤٠٤ق.
- ابوداود سجستانى، سليمان، **سنن أبى داود**، تحقيق محمد محيى الدين عبد الحميد، بيروت، المكتبة العصرية، بى تا.
- ابى داود طيالسى، سليمان بن داود، **مسند أبى داود الطيالسى**، تحقيق محمد بن عبد المحسن التركى، ج ١، مصر، دار هجر، ١٤١٩ق.
- سيوطى، محمد بن أحمد، **إتحاف الأخصا بفصائل المسجد الأقصى**، تحقيق أحمد رمضان أحمد، بى جا، الهيئة المصرية العامة للكتب، ١٩٨٤م.
- اصفهانى، أحمد، **حلية الأولياء وطبقات الأصفياء**، السعادة بجوار محافظة مصر، ١٣٩٤ق.
- بخارى حنفى، عبد العزيز بن أحمد، **كشف الأسرار شرح أصول البزدوى**، بى جا، دار الكتاب الإسلامى، بى تا.
- بخارى، محمد، **صحيح البخارى**، تحقيق محمد زهير بن ناصر، ج ١، دار طوق النجاة، ١٤٢٢ق.
- بيهقى، أحمد بن الحسين، **شعب الإيمان**، تحقيق الدكتور عبد العلى عبد الحميد حامد، مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار السلفية، ج ١، بومباى بالهند، ١٤٢٣ق.
- ترمذى، محمد، **سنن الترمذى**، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، دار الغرب الإسلامى، ١٩٩٨م.



- ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، **النهاية فى غريب الحديث و الأثر**، ج١، قم، مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، بى تا.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، **الصحيح - تاج اللغة و صحاح العربية**، ج١، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤١٠ق.
- حاكم نيشابورى، محمد، **المستدرک على الصحيحين**، تعليق محمد بن أحمد ذهبى، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، ج١، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١١ق.
- دهخدا، على اكبر، **لغتنامه دهخدا**، بى جا، بى نا، ١٣٣٤ش.
- زركشى، محمد بن عبد الله، **إعلام الساجد بأحكام المساجد**، تحقيق أبو الوفا مصطفى المراغى، ج٤، بى جا، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، ١٤١٦ق - ١٩٩٦م.
- سمعانى، منصور، **تفسير القرآن**، تحقيق ياسر بن إبراهيم وغنيم بن عباس بن غنيم، ج١، رياض، دار الوطن، ١٤١٨ق.
- سندى، محمد بن عبد الهادى، **حاشية السندى على سنن ابن ماجه: كفاية الحاجة فى شرح سنن ابن ماجه**، بيروت، دار الجيل، بى تا.
- سيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر، **تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى**، تحقيق أبوقتيبة نظر محمد الفاريابى، دار طيبة، بى تا.
- —، **الحاوى للفتاوى**، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر، ١٤٢٤ق.
- شريف الرضى، محمد بن حسين، **نهج البلاغة (للصحيح صالح)**، ج١، قم، هجرت، ١٤١٤ق.
- صالحى شامى، محمد بن يوسف، **سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد وذكر فضائله وأعلام نبوته وأفعاله وأحواله فى المبدأ والمعاد**، تحقيق وتعليق الشيخ عادل أحمد عبد الموجود و الشيخ على محمد معوض، ج١، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق.
- طبرانى، سليمان، **المعجم الأوسط**، تحقيق طارق بن عوض الله بن محمد وعبد المحسن بن إبراهيم الحسينى، قاهره، دار الحرمين.
- طبرانى، سليمان، **المعجم الكبير**، تحقيق حمدى بن عبد المجيد السلفى، ج٢، قاهره، مكتبة ابن تيمية، بى تا.
- طبرسى، فضل بن حسن، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، ج٣، تهران، ناصر خسرو، ١٣٧٢ش.
- طبرى، محمد بن جرير، **تهذيب الآثار وتفصيل الثابت عن رسول الله من الأخبار**، تحقيق محمود محمد شاكر، قاهره، مطبعة المدنى، بى تا.
- طبرى، محمد بن جرير، **جامع البيان فى تأويل القرآن**، تحقيق أحمد محمد شاكر، ج١، بى جا، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.
- طريحي، فخرالدين، **مجمع البحرين**، كتابفروشى مرتضى، ج٣، تهران، ١٤١٦ق.
- عتر، نورالدين محمد، **منهج النقد فى علوم الحديث**، ج٣، دمشق، دار الفكر، ١٤١٨ق/١٩٩٧م.
- فخرالدين رازى، محمد، **مفاتيح الغيب**، ج٣، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.



- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، ج ۲، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، ج ۶، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
- کشمیری، محمد انور شاه، **فیض الباری علی صحیح البخاری**، تحقیق محمد بدر عالم المیرتھی، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۲۶ ق.
- ماوردی، علی بن محمد، **الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزنی**، تحقیق علی محمد معوض و شیخ عادل أحمد عبد الموجود، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۱۹ هـ/۱۹۹۹ م.
- مروزی، نعیم بن حماد، **کتاب الفتن**، تحقیق سمیر أمين الزهیری، ج ۱، قاهره، مكتبة التوحيد، ۱۴۱۲ ق.
- معبد، محمد أحمد محمد، **نفحات من علوم القرآن**، ج ۲، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۶ ق/۲۰۰۵ م.
- معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، نشر میلاد، بی جا، بی تا.
- مقدسی، محمد بن عبد الواحد، **فضائل بیت المقدس**، تحقیق محمد مطیع الحافظ، ج ۱، سوریه، دار الفكر، ۱۴۰۵ ق.
- نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- یوسفی غروی، محمد هادی، **موسوعة التاريخ الاسلامی**، اضواء الحوزه، لبنان، بی تا، ۱۴۱۳ ق.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (م ۷۷۴)، **الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة**، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي وکامل محمد الخراط، مؤسسة الرسالة، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، **المختصر فی علامات المهدي المنتظر**، مكتبة القران، قاهره، بی تا.
- مزی، یوسف بن عبد الرحمن (م ۷۴۲)، **تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، تحقیق: د. بشار عواد معروف، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- سفارینی حنبلی، محمد بن أحمد، **لوامع الأنوار البهية وسواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرة المضیة فی عقد الفرقة المرضیة**، ناشر: مؤسسة الخافقين ومکتبتها، دمشق، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.
- أبری سجستانی، محمد بن الحسین، **مناقب الإمام الشافعی**، محقق: د / جمال عزون، ناشر: الدار الأثرية، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد، **تهذيب التهذيب**، مطبعة دائرة المعارف النظامية، هند، چاپ اول، ۱۳۲۶ ق.
- سخاوی، محمد بن عبد الرحمن (م ۹۰۲)، **فتح المغیث بشرح الفیة الحديث للعراقی**، تحقیق: علی حسین علی، مكتبة السنة، مصر، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر (م ۹۱۱)، **الحاوی للفتاوی**، دار الفكر للطباعة والنشر، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
- زرقانی مالکی، محمد بن عبد الباقي، **شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة**، ناشر: دار الکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- کتانی، محمد، **نظم المتناثر من الحديث المتواتر**، تحقیق: شرف حجازي، دار الکتب السلفية، مصر، چاپ سوم، بی تا.

